

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۶

تحلیل جنبه‌های زبانی، ادبی و تصویری سبک منحصر بفرد کتاب تأدیب الاطفال

به منزله نخستین کتاب مصور کودک در ادبیات فارسی

(ص ۹۹-۱۱۶)

محسن ذکا اسدی^۲، مریم شریف نسب^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۹۷

چکیده

در پژوهش حاضر کتاب تأدیب الاطفال موضوع تحلیل و ارزیابی سبک‌شناسی قرار گرفته است. روش پژوهش مطالعه موردی است و نگارندگان در پی آن هستند که با در نظر داشتن متن و تصویر در کنار هم ویژگیهای منحصر بفرد سبک این اثر را تبیین کنند. کتاب مستطاب تأدیب الاطفال تألیف یا ترجمه مفتاح الملک که پیش از صدور فرمان مشروطیت نوشته و منتشر شده در زمره نخستین آثار ادبیات کودک در زبان فارسی است که تاکنون موضوع پژوهشهای دانشگاهی قرار نگرفته است. سبک‌شناسی دانشی است که به بررسی جنبه‌های ممتاز یک اثر از منظر زبانی و ادبی میپردازد. تاکنون الگوی کاملی برای تحلیل سبکی آثار مصور ادبیات کودک با توجه به ساختهای چندگانه زبانی، ادبی و تصویری در پژوهشهای مشابه ارائه نشده است. نگارندگان در پی آن هستند که با تبیین جنبه‌های مختلف زبانی، ادبی و تصویری این اثر سبک منحصر به فرد آن را آشکار و دلایلی اقامه کنند که این کتاب را میتوان نخستین اثر مصور ادبیات کودک در زبان و ادبیات فارسی قلمداد کرد.

کلمات کلیدی: ادبیات کودک، کتاب مصور، سبک‌شناسی، تصویرگری، مطالعه موردی

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
(Mohsen.zokaasadi@gmail.com)

۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
(msharifnasab@gmail.com)

The Stylistic Analysis of “Tadīb-Alatfál” by Meftah-ol-Molk-e-Mazandarani as The First Illustrated Book in Persian Children’s Literature

Maryam Sharif Nasab¹, Mohsen Zoka Asadi²

Abstract

In the current study the book of “Tadīb-alatfál” is the case of analyzing and evaluation. The study method is case study and the authors tried to clarify and explain style special properties of this book by considering text and illustration together. The great book of “Tadīb-alatfál” (written or translated by Meftah-ol-Molk) which was written and published before the constitutional revolution is one of the prototypes of Persian children’s literature. This book was not surveyed in any academic research until present. Stylistics is a knowledge of studying of distinct aspects of a literary work regarding the lingual and literary sides of the work. Illustrated children’s books are one category of children’s literature for which a thorough theory and methodology of stylistic analysis is not available in the Persian language. This study Hypothesis is that “Tadīb-alatfál” is the first illustrated book in Persian children’s literature.

Keywords: Child Literature, Picture Books, Stylistics, Illustration, Case Study

¹ Department of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (msharifnasab@gmail.com)

² PhD student of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (Mohsen.zokaasadi@gmail.com)

۱- مقدمه

بخش عمده‌ای از آثار ادبیات کودک، و نه نوجوان، کتابهایی هستند که در آنها متن و تصویر در کنار هم به مخاطب ارائه میشوند. این آثار دو نوع اصلی دارند: کتابهای مصور (illustrated books) و کتابهای تصویری (picture books). در کتابهای تصویری، تصویر اولویت و اهمیت بیشتری نسبت به متن دارد؛ اما در کتابهای مصور متن و تصویر هم‌سنگ هستند. پری نودلمن کتاب تصویری را چنین تعریف کرده است: «کتابی که از طریق مجموعه‌ای از تصاویر مرتبط به هم یا متنی کوتاه یا بدون متن قصه‌گویی میکند یا اطلاعاتی را منتقل میکند» (از دریچه نگاه کودک، ص ۲۱۴). با توجه به این تعریف تأدیبات اطفال اثری تصویری محسوب نمیشود بلکه در زمره آثار مصور است. در کتابهای مصور تصویرها نقش محوری ندارند بلکه نقش آنها چنانکه خواهد آمد برجسته کننده، گسترش دهنده و تقویت کننده متن است. متن و تصویر در این آثار «هر یک آنچه را بهتر بیان میکنند، عرضه مینمایند و هرگاه احساس شود که تصویر توانایی بیشتری در ارائه حس و عاطفه یا انتقال اطلاعات دارد، به میدان می‌آید» (ادبیات کودک و نوجوانان و ترویج خواندن، ص ۲۹۰).

هر کتاب مصور را میتوان با رویکردهای متفاوتی تحلیل و ارزیابی کرد. تحلیل جنبه‌های ادبی، داستانی، زبانی، بصری و ارزیابی تناسب این جنبه‌ها با مخاطب با توجه به ویژگیهای شناختی و عاطفی مخاطبان امکان‌پذیر هستند. در این پژوهش، کتاب مصور تأدیبات اطفال با رویکرد سبک‌شناسی از این جنبه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. در یک نگاه کلی، سبک شناسی دانشی است که متن یا متونی را از منظر شباهتها و تفاوتها با متون دیگر بررسی میکند. بهار سبک را چنین تعریف کرده است: «طرز ادائی که از لحاظ مشخصات و وجوه امتیازی که نسبت به هنرهای زیبای مشابه دارد مورد مطالعه قرار گیرد و نیز روش نگارشی که بوسیله خواص ممتازه خویش مشخص باشد» (سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۱۶). بنا بر گفته بهار در دانش سبک‌شناسی سخن از سبکی عمومی اثر و جنبه ممتاز آن است. در آثار غربی حوزه سبک‌شناسی نیز سبک، تعریف مشابهی دارد: «سبک یعنی بیان زبانی متفاوت» و «شیوه متمایزی از کاربرد زبان به منظوری خاص و برای ایجاد تأثیری ویژه» (مبانی سبک‌شناسی، ص ۲۰-۱۸).

بنابراین بررسی متون ادبیات کودک از منظر دانش سبک‌شناسی ممکن است. یعنی بررسی زبانی، ادبی متن و روشن کردن ویژگیهای متمایزکننده سبکی آن و همزمان تحلیل تصاویر. نگارندگان بر آنند که در مورد آثار مصور ادبیات کودک، بررسی صرف متن و بی‌توجهی به تصویر - با توجه به اینکه تصویرگری جزئی از ماهیت کتاب مصور کودک است - گرچه کاملاً بی‌ارزش نیست، فروکاستن حوزه‌ای چندساحتی به یک ساحت است و

خالی از ایراد نمیتواند بود. هدف اصلی پژوهشی در نوشتار حاضر بررسی جنبه‌های خاص سبکی کتاب تأدیبالاطفال است. فرضیه پژوهش این است که این کتاب در قیاس با آثار همدوره خود، واجد ویژگیهای منحصر به فردی در حوزه‌های ادبی، زبانی، بصری و تناسب شناختی-عاطفی با مخاطب است؛ ویژگیهای خاصی که این کتاب را تبدیل به نخستین اثر مصور ادبیات کودک میکند. هدف فرعی پژوهش ارائه الگویی نظری و عملی است که بر اساس آن بتوان آثار مصور ادبیات کودک را با در نظر قرار دادن متن و تصویر هر دو، بررسی سبک‌شناسی کرد. الگوی سبک‌شناسی در نوشتار حاضر برگرفته از کتاب مستطاب سبک‌شناسی بهار است که با بررسی تصویری تلفیق شده است.

۲- پیشینه، قلمرو و روش پژوهش

در پژوهشهایی که با موضوع سبک‌شناسی ادبیات کودک صورت گرفته است رویکردی مشابه رویکرد نوشتار حاضر یافت نشد. بدین معنا که بررسی‌های سبکی در حوزه ادبیات فقط با توجه به متن فارغ از تصویر و بررسی‌های سبکی حوزه هنرهای بصری فقط با توجه به تصویر و فارغ از متن صورت پذیرفته است. پیش از این اشاره شد کتاب تصویری خارج از محدوده موضوعی پژوهش حاضر است و موضوع پژوهش فقط ادبیات مصور کودک است. به منظور تبیین دقیق قلمرو پژوهش، ناگزیر از مبانی دانش روانشناسی رشد و نیز طبقه‌بندیهای موجود در حوزه ادبیات کودک استفاده خواهیم کرد. نظریه دیدگاه عمر یا چشم‌انداز عمر (life perspective) رویکردی در روانشناسی رشد است که نظریه‌پردازان این حوزه آن را متعادل و همه‌جانبه‌نگر توصیف کرده‌اند (روانشناسی رشد، ج ۱، ص ۱۵). بر اساس این نظرگاه دوره ۲ تا ۶ سالگی به نام اوایل کودکی، دوره ۶ تا ۱۱ سالگی به نام اواسط کودکی و دوره ۱۱ تا ۲۰ سالگی دوره نوجوانی شناخته میشوند. در دوره اوایل کودکی، فکر و زبان گسترش پیدا میکنند؛ در اواسط کودکی تفکر منطقی، مهارتهای سوادآموزی، درک خود و اصول اخلاقی آغاز و مشخص میشوند و در دوره نوجوانی فکر انتزاعی و ایدئالیستی و ارزشها مشخص و تعریف میشوند (روانشناسی رشد، ج ۱، ص ۱۶). با توجه به این نظریه میتوان ادعا کرد کتابهای تصویری برای دوره اوایل کودکی و کتابهای مصور برای دوره اواسط کودکی مناسب هستند. بخصوص با توجه به این مطلب که در دوره اوایل کودکی هنوز کودک سواد نیاموخته است و سوادآموزی در اواسط کودکی آغاز میشود؛ بنابراین قلمرو سنی پژوهش حاضر دوره اواسط کودکی است که با توجه به تقسیم‌بندی متداول کتاب کودک در کشور ایران مطابق با گروه‌های سنی ب و ج میباشد.

درباره پیوند متن با تصویر در پژوهشهای حوزه ادبیات کودک پیشینه قابل توجهی وجود ندارد. قایینی نقش و جایگاه تصویر را در کتابهای مصور به سه نوع طبقه‌بندی کرده است: (۱) گاه تصویر در کتابهای مصور نقش برجسته‌کننده دارد. یعنی تصویرگر بخشی از متن را

برمیگزیند و بر آن تأکید بیشتری میکند؛ ۲) در مواردی تصویر نقش گسترش‌دهنده دارد؛ یعنی تصویرگر با برداشتی خلاقانه فضاهای نویی بیش از آنچه در متن است به تصویر میکشاند و متن را گسترش میدهد. ۳) تصویر نقش کامل‌کننده یا تقویت‌کننده دارد؛ بدین معنی که اگر نویسنده در بیان کنش یا احساسی به کمال نرسیده باشد، تصویرگر به کمک او میشتابد و این موارد را کامل و تقویت میکند (تصویرگری کتابهای کودکان، ص ۳۱۶). در جستار حاضر بررسی سبک‌شناسی اثر علاوه بر الگو گرفتن از روش محمدتقی بهار با توجه به موارد سه‌گانه ذکر شده انجام میپذیرد.

روش پژوهش حاضر یکی از انواع پژوهش کیفی است. ویژگیهایی که در ادامه نام برده میشود علت انتخاب روش تحقیق کیفی بوده است: ۱) در پژوهش حاضر نگارندگان به دنبال نظریه‌سازی بوده‌اند و نه نظریه‌آزمایی؛ ۲) نتایج پژوهش قابلیت تعمیم تحلیلی دارند و نه الزاماً تعمیم آماری؛ ۳) استدلالهای ارائه شده بیشتر جنبه استقرایی دارند و نه قیاسی؛ ۴) بررسی موردی است و نه پیمایشی (ر.ک. به روش تحقیق کیفی، ص ۱۰۱). روش تحقیق کیفی پژوهش حاضر روش مطالعه موردی (case study) است. مطالعات موردی به بررسی عمیق روندی، حادثه‌ای، برنامه‌ای یا فعالیتی میپردازد (درآمدی بر روش تحقیق کیفی، ص ۹۸). مطالعه موردی اهمیت خود را به مثابه یک رویکرد پژوهشی هم در علوم انسانی و اجتماعی و هم در ریاضیات و علوم دقیقه به دست آورده است (روش تحقیق مطالعه موردی، ص ۹۹) و بررسی فشرده‌ای است با استفاده از شواهد چندگانه از یک واحد مستقل که از لحاظ زمان و مکان محدود است (راهنمای عملی پژوهش کیفی، ص ۱۶۶).

تأدیبات اطفال اثر محمود بن یوسف مفتاح الملک مازندرانی (۱۲۶۰ق-۱۳۳۵ق) است که در دوره ناصری منشی رموز وزارت خارجه بوده است (تأدیبات اطفال، ص ۴). درباره مفتاح‌الملک و آثار او در سالیان اخیر پژوهشهایی به انجام رسیده است که از آن جمله میتوان به سه پژوهش از نرگس پدram و سید علی کاشفی خوانساری به نامهای: «مفتاح‌الملک» (فرهنگ مردم، ش ۴۱)، «بی مهری به پیشگامان: تأملی در بازنشر کتاب تأدیبات اطفال» (فصلنامه نقد کتاب کودک و نوجوان، ش ۱۱) و «نخستین گزیده کودکانه مثنوی» (فصلنامه نقد کتاب کودک و نوجوان، ش ۶) اشاره کرد. در پژوهشهای نامبرده مطالبی درباره زندگی و آثار مفتاح‌الملک ذکر شده که در نوشتار حاضر از آن استفاده شده است اما رویکرد این پژوهشها بررسی سبک‌شناسی آثار مفتاح‌الملک نبوده است. در مجموع، کمتر از ده نسخه چاپ سنگی از کتاب تأدیبات اطفال موجود است که نسخه‌شناسی آنها در پژوهشهای قبلی انجام شده است (فصلنامه نقد کتاب کودک و نوجوان، ص ۲۱۴) و به سبب اینکه تفاوت‌چندانی بین این نسخه‌ها وجود نداشت و بررسی و مقایسه نسخه‌ها خارج از هدف پژوهش حاضر بود و برخی از نسخه‌های کتاب افتادگی

داشتند، نسخه کتابخانه ملی این کتاب مربوط به سال ۱۳۰۰ قمری که ۲۰۹ صفحه است برای بررسی انتخاب شد که نسخه‌ای کامل و نسبتاً واضح است. نقاشیهای این نسخه (مانند نسخ دیگر) را سید محمد نقاش اصفهانی کشیده است. دلیل انتخاب این اثر این است که: (۱) به زعم محققان نمونه‌ای خصیصه‌نما از ادبیات کودک دوره مشروطه است؛ (۲) مؤلف اثر در تألیف اثر برای کودکان، پیشگام و پابرجا بوده است. از نخستین مؤلفان کتاب کودک است و تعداد قابل توجهی اثر برای کودکان تألیف کرده است. (۳) در آثار او نمونه‌هایی از نقد و نظریه ادبیات کودک وجود دارد که در تبیین رویکرد آموزشی اثر وی به کار خواهد رفت. و چنانچه ذکر شد فرضیه پژوهش حاضر این است که تأدیبات اطفال نخستین کتاب مصور ادبیات کودک در ادبیات فارسی است.

بهار در مقدمه کتاب سبک‌شناسی خود درباره وسعت و شمول سبک‌شناسی چنین گفته است: «سبک‌شناسی را نمیتوان دانشی مستقل و مجزی تصور کرد... سبک هر نویسنده حاکی از طرز بینش و ادراک اوست از جهان بیرون» (سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۱۸). او سبک‌شناسی را شامل دو بخش (۱) حکمت و علوم یا همان بررسی بینش و ادراک نویسنده، و (۲) فنون ادبی دانسته است (سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۱۸).

در پژوهش حاضر بررسی سبکی به پنج بخش تقسیم شده است. بررسی ادبی به سه بخش (۱) ویژگیهای رسم الخطی، (۲) ویژگیهای زبانی، و (۳) ویژگیهای ادبی تقسیم شده است. بررسی بینش و ادراک نویسنده در قالب ویژگیهای مضمونی و آموزشی انجام پذیرفته است و، چنانچه در مقدمه بدان اشاره رفت و علاوه بر این دو، تصاویر و ارتباط آنها با متن نیز در قالب ویژگیهای تصویری اثر، بررسی شده است.

۳- تحلیل سبکی کتاب مصور تأدیبات اطفال

کتاب تأدیبات اطفال سه بخش دارد. بخش نخست مقدمه نگارنده از صفحه ۱ تا ۶، بخش دوم بیست حکایت از صفحه ۶ تا ۱۸۴، و بخش سوم خاتمه کتاب از صفحه ۱۸۴ تا ۲۰۹. در این کتاب یک تصویر رنگی و ۲۵ تصویر سیاه و سفید وجود دارد. تصویر رنگی سرلوحه صفحه نخست کتاب است و تصاویرهای سیاه و سفید در بخش دوم کتاب آورده شده است که مرتبط با حکایتهای هستند. در بخش ۳ نوشتار حاضر همه ارجاعات به نسخه چاپ سنگی کتاب، که شرح آن ذکر شد، هستند و عین متن کتاب نقل شده است.

۳-۱- ویژگیهای رسم الخطی

علامتهای سجاوندی از قبیل نقطه، کاما، علامت پر سش و تعجب در متن حضور ندارند که با توجه به تاریخ انتشار آن طبیعی است. فقط یک بار در متن کتاب از علامت پرانتز به نشان نقل قول استفاده شده است (ص ۳۵). در متن کتاب علامتهای فتحه و کسره اصلاً به

کار نرفته است اما علامت ضمه بسیار به چشم می‌خورد که برای نمونه برخی ذکر می‌شود: حُکما، عُقلا (ص ۵)، تُحفه (ص ۶)، چُون، رُوز، شُد (ص ۹)، مردُم، حُوبی (ص ۱۶)، دُنیا، مُبتلا (ص ۴۰)، رُوی، اُو، خُود (ص ۴۷). ذکر برخی از این ضمه‌ها را میتوان توجیه کرد که برای مخاطب نوآموز جنبه آموزشی دارد اما مثلاً ضمه کلمه «اُو» نمونه‌ای است که نگارندگان توجیهی برای آن پیدا نکردند. حتی اگر فرض کنیم برای آموزش صامت کشیده «او» و اشتباه گرفته نشدن آن با حرف «واو» نگاشته شده است باز استثناهایی در متن یافت می‌شود که این فرض را رد میکند مثلاً: سُورخ (ص ۴۷) با علامت ضمه به معنی صامت بلند «او»، مو (ص ۴۷) بدون علامت ضمه و وُزرا (ص ۴۷) با علامت ضمه به معنی صامت کوتاه «اُو». علامت تشدید در تمام متن استفاده شده است: محبّت (ص ۴۳)، متشخصین، محمّد، مذمت (ص ۴۸)، متحیر، اذیت (ص ۶۶) و سرکش حرف گاف اصلاً در متن نوشته نشده است: کوش کند به جای گوش کند (ص ۸۱)، کول میزد به جای گول میزد (ص ۸۳)، هرکز به جای هرگز (ص ۹۶)، و

«ها»ی جمع تا حد ممکن در متن کتاب پیوسته به کلمه قبل از خود نوشته شده است برای نمونه: دستها (ص ۵۱)، ناخوشیها (ص ۴۰)، عروسکها (ص ۱۵)، تحفها (ص ۶) به جای تحفه‌ها و خانها (ص ۵۹) به جای خانه‌ها. «ب» مضارع التزامی به ندرت در متن کتاب به صورت جدا نوشته شده است: دست او را به بندد (ص ۵۱) و به‌ببند (ص ۵۵). «می» ماضی استمراری و مضارع اخباری به هر دو صورت جدا و پیوسته نوشته شده است: نمی دیدند (ص ۹۸)، نمی شماری (ص ۲۳)، می گفتند (ص ۲۲) و نمی‌کرد، نمی‌نمود (ص ۴۶)، می‌خورد (ص ۴۷)، می‌خواهم بروم (ص ۶۰) و حرف اضافه «به» پیوسته به متمم نوشته شده است: او را بحضور قاضی بردند (ص ۵۷)، نزدیک بغروب آفتاب بود (ص ۸۷) درباره قیدهایی که «به» دارند نیز چنین است: او را بقدری تازیانه زد که بیهوش گشت (ص ۵۷)، لباسشان بطوری تر شده بود که کویا نزدیک بود آب در استخوانشان داخل بشود (ص ۸۹). «را»ی مفعول گاه پیوسته و گاه گسسته نوشته شده است: چیزها (ص ۱۸۵)، ایشانرا (ص ۱۹۵)، ترا (ص ۱۶۳) و حرف را (ص ۱۶۳)، قرآن را (ص ۱۵۲). علامت همزه بالای ه علاوه بر کاربرد متداول امروزی گاه به جای «یی» یا «ای» به کار رفته است: وقتی قصیده از پدر خود گرفته بود که حفظ کند (ص ۱۰۴) به جای قصیده‌یی یا قصیده‌ای؛ این کتاب مشتمل است بر بیست حکایت و خاتمه (ص ۶) به جای خاتمه‌یی. کلمه‌های مشتق و مرکب گاه سرهم و گاه به صورت جدا نوشته شده‌اند: جای‌گیر در جمله در خواطر آنان جای‌گیر می‌کرد (ص ۲). بی‌کار نمی‌نشست (ص ۹)، بیحیا (ص ۱۱)، خوش‌ذات (ص ۲۲)، کُل دوزی (ص ۲۲)، دلتنگ (ص ۵۰)، زخم‌دار (ص ۵۱). موارد رسم‌الخطی ذکر شده در هر سه بخش کتاب یکسانند و تفاوتی از این منظر بین سه بخش دیده نمی‌شود.

۳-۲- ویژگی‌های زبانی

ویژگی زبانی اصلی متن داشتن جمله‌های کوتاه و استفاده بسیار از «واو»، «که» و «تا» بین جملات است؛ به خصوص در بخش حکایتها و خاتمه کتاب این مورد زیاد به چشم می‌خورد. در بخش مقدمه تعداد جمله‌ها در هر صفحه به این قرار است: ۵ جمله (ص ۱)، ۱۵ جمله (ص ۲)، ۱۱ جمله (ص ۳)، ۵ جمله (ص ۴) و ۱۱ جمله (ص ۵). از بخش حکایتها تعداد جمله‌های سه صفحه به منزله نمونه ذکر می‌شود: ۲۳ جمله (ص ۱۲)، ۲۱ جمله (ص ۹۸)، ۱۸ جمله (ص ۱۷۲). از بخش خاتمه نیز تعداد جمله‌های سه صفحه به مثابه نمونه ذکر می‌شود: ۱۸ جمله (ص ۱۸۷)، ۲۲ جمله (ص ۱۹۳) و ۲۳ جمله (ص ۲۰۳). بنابراین با توجه به اینکه ابعاد همه صفحات کتاب و حاشیه آن به جز صفحه نخست و صفحات تصاویر، که حاشیه بیشتری دارند، با هم برابر هستند، در دو بخش حکایتها و خاتمه کتاب تعداد جملات بیشتر از مقدمه است. به منظور روشن شدن ویژگی کوتاه بودن جملات قسمتی از حکایت نخست نقل می‌شود: «شخصی را پسری مسعود نام بود که در تربیت او سعی بسیار مینمود و او را بمکتب فرستاده بود تا خواندن قرآن و کتابها را یاد بگیرد مسعود هم بخواندن درس شوق زیاد داشت یکروز بمعلم خودش گفت که عید نزدیک شده و بیشتر از سه ماه بعید نمانده است میخواهم در این سه ماهه سعی کنم و تا عید هر کتابی را که باشد بتوانم بخوانم...» (ص ۶). کوتاه بودن جمله‌ها موجب شده است شبکه استدلالی پیرنگ ساده و قابل فهم شود و گره‌افکنیها، گره‌گشاییها، تعلیق، بحران و نقطه اوج داستان ساختار خطی و سراسری داشته باشند.

ویژگی زبانی دیگر در متن استفاده بسیار از «را» به جای حرف اضافه است؛ مثلاً: او را شربت و شیرینی و میوه میداد (ص ۱۲) معادل به او شربت و ... میداد؛ او را علمی نیاموخته بود (ص ۷۳) هر صبح و شام زبیده را میکفت (ص ۱۱۵). در متن حروف اضافه مرکب به چشم می‌خورد مانند: مرا بکنارید که به پیش پدر خودم بروم (ص ۷۹). بر روی یک قده چینی افتاد (ص ۶۶). زنهائیکه از برای معامله نزد او می آمدند (ص ۱۱۲).

فعل نهی در اغلب موارد با «میم» ساخته شده است: خلاف گفته پدر و مادرت مکن (ص ۶۴)؛ بر کار گذشته افسوس مخور (ص ۱۹۸). اما افعال با «نون» منفی شده است: هر قدر قوت کرد نتوانست ... (ص ۱۶۲)؛ گفته پدر را کوش نمیداد (ص ۸۵). کاربرد فعلها در متن به رغم سادگی هنوز در مواردی صورت قدیمی دارد: با بزرگان سخن دراز منما (ص ۱۹۷)، زحمتهای مرا بیفایده نکردانید (ص ۲۸)، با آنها قسمت مینمود (ص ۱۸) بر او استهزا میکنند (ص ۱۲۴). استفاده از فعل به شکل مفعولی و بلافاصله آوردن یک فعل دیگر در متن بسیار است: جمعی که حاضر بودند از دیوانکی محمد ترسیده کریختند (ص ۵۱)، صورتش را بوسیده گفت ... (ص ۶۴)، کوسفندهای او را به صحرا برده می‌چرانید (ص ۷۵) و

تحلیل جنبه‌های زبانی، ادبی و تصویری سبک منحصر بفرد کتاب تأدیبات اطفال / ۱۰۷

بمیل خود کتاب خود را گرفته میخواند (ص ۱۰۴). کاربرد اخیر بیشتر در بخش حکایات دیده میشود.

«بجهه» و «بواسطه» در معنای «برای» یا «به علت» در متن به کار رفته‌اند: بواسطه خرافت پیری است که مرا از این میوه‌های خوب و لذیذ منع میکند (ص ۳۵)، حسین بجهه اطاعت و حرف شنیدن جمیع اهل خانه را با خود مهربان ساخته بود و بواسطه محبتی که با پدر و مادر خود داشت هیچ چیز از حق ایشان فرو نمیکذاشت (ص ۱۰۳). نکته آخر در حوزه زبان، استعمال برخی کلمات نادر یا کاربردهای نادر کلمات است که ذکر میشوند: نیش‌غولی (ص ۳) به معنی خرافی (ر.ک. مدخل نیش‌غولی در فرهنگ معین)، عیدیه (ص ۶) به معنی عیدی؛ برخواست و حرکت نکرد (ص ۵۹) به جای برخاست، حسین برخواسته در را بر روی خود بست (ص ۱۰۶) به جای برخاسته؛ سندلی (ص ۱۱ و ۶۶) به جای سندلی؛ قطور (ص ۱۲۰) به معنی چاق؛ رفع یا رفعه (ص ۶۶) به معنی طاقچه؛ از خارج حفظ کردن در جمله «هر چه مینویسد و میخواند همه را از خارج حفظ کند» (ص ۱۴۹) احتمالاً به این معنی که بیرون از مکتب حفظ کند؛ و حق زحمت در جمله حمزه خلیفه من است و بر من حق زحمت دارد (ص ۱۵۸) که باید از اصطلاحات مکتبخانه‌ای باشد به معنی دانش‌آموز ارشد یا کمک معلم که اجازه داشته به دیگر دانش‌آموزان دستورهایی بدهد؛ و کلال (ص ۱۷۳) به معنی کندی (ر.ک. مدخل کلال در فرهنگ بزرگ سخن)

۳-۳- ویژگیهای ادبی

متن کتاب به خصوص در بخش دوم و سوم از عناصر بدیع و بیان و صور خیال کم بهره برده است. مفتاح‌الملک دلیل این موضوع را در مقدمه چنین بیان کرده است: «چون مقصود از این کتاب فضیلت‌فروشی و اظهار فصاحت نبود مخصوصاً در سهولت عبارات آن و عدم رعایت سجع و قافیه و بکار نبردن عبارات عربی و اشعار نیز تعمد کرد تا بفهم اطفال نزدیک باشد» (ص ۵). بنابراین مؤلف آگاهانه ادبیت متن را به نفع مخاطب در سطح پایینی حفظ کرده است. ویژگی عمده ادبی متن استفاده فراوان از تکرار و ترادف است تا حدی که میتوان آن را ویژگی سبکی زبانی و ادبی اثر نام نهاد. حتماً جنبه زبان‌آموزی نیز در استفاده از تکرار و ترادف دخالت داشته است. نمونه‌هایی از تکرار و ترادف از متن کتاب که جنبه زبان‌آموزی دارند ذکر میشود: اگر دو نفر نجوی کنند یعنی آهسته حرف بزنند (ص ۱۵)؛ همیشه در فکر پاکی و تمیزی است (ص ۱۶)؛ کثافت و ناتمیزی (ص ۴۶)؛ مفارقت و دوری (ص ۱۴۳)؛ گند و زنجیر (ص ۵۶)؛ کمی عقل و حماقت و سفاهت (ص ۱۶۷) و ... علاوه بر این چون شخصیت‌های اصلی همه داستانها کودک و نیز شخصیت‌های بزرگسال معمولاً معلم‌ان یا والدین در محیطی آموزشی هستند تکرار کلمات و معنا کردن آنها روایت را گاه حتی باورپذیرتر نیز کرده است.

در برخی موارد مشخص است که مفتح‌الملک اول چند بار کلمه آسانتر را در متن ذکر کرده و سپس کلمه دشوارتر را آورده است؛ مثلاً کلمه پارچه در صفحات ۲۵ و ۲۶ سه بار تکرار شده سپس کلمه قماش در صفحه ۲۶ ذکر شده و پس از آن کلمه قماش تکرار شده است. تکرارها در متن گاهی تبدیل به سجع یا جناس شده است مثلاً: این تحفه خوب و این هدیه مرغوب (ص ۲۸)؛ کلاله و ملالت (ص ۱۷۳)؛ کم گفتن و کم خفتن (ص ۱۹۷)؛ کناره کرفتن و دوری کردن (ص ۱۷۱) و ... که بسامد آن بسیار پایین است. چنان که ذکر شد آوردن مترادفها در کنار هم ویژگی سبکی کتاب است. برعکس کلمات متضاد در متن کتاب به صورت ترکیب عطفی نیامده است و نمونه‌های تضاد در متن کتاب بسیار اندک شمارند. فقط در بخش اول کتاب تضاد و سجع و جناس وجود دارد که چون مقدمه کتاب است و لابد جنبه راهنمایی معلمان را نیز دارد از ادبیت بیشتری بهره برده است: «بر آینه ضمیر هوشمندان روزگار ظاهر و آشکار است که خواطر اطفال خوردسال در بدایت سن که هنوز علمی نیاموخته و دانشی نیندوخته‌اند و عقل آنها قوت حاصل نکرده که نیک را از بد و راست را از کاست توانند شناخت مانند لوحی قابل ارتسام هرگونه نقش و صورتی میباشد» (ص ۱) در این بخش از متن دو تضاد: نیک و بد، راست و کاست به کار رفته؛ نیاموخته و نیندوخته، راست و کاست سجع و جناس نیز دارند. یک تشبیه نیز در این بخش به کار رفته و ذهن کودکان به لوح تشبیه شده است. در متن کتاب تشبیه بسیار کم تعداد است و استعاره و کنایه اصلاً وجود ندارد. نمونه‌های تشبیه در متن کتاب: کار بد مانند بوی سیر و پیاز پنهان نمی‌ماند (ص ۵۸)؛ مثل باران بهاری اشکش جاری بود (ص ۶۴ و ۷۰)؛ تا از منزل بیرون می‌آمدند مثل خیل متفرق و چندان دور میشدند که آواز پدر خود را نمیشنیدند (ص ۸۳)؛ او را کشان کشان بزدان برده و مثل مال بخیل حبس کردند (ص ۵۵) و اضافه تشبیهی زنک کدورت (ص ۱۰۲). نمونه‌ای از اضافه اقترانی نیز در متن هست: چشم خفت (ص ۶۲).

آرایه ادبی پر بسامد دیگری در متن به چشم نمیخورد. نمونه‌ای از اغراق در کتاب وجود دارد: لباسشان بطوری تر شده بود که کویا نزدیک بود آب در استخوانشان داخل بشود (ص ۸۹) و نمونه‌ای از براعت استهلال: اسحق بواسطه این کارها و نشنیدن حرف مادر بسزای خود رسید و پشیمان شد و آن [،] چنان بود که ... (ص ۳۶). در ادامه ماجرای اسحاق نقل شده است.

۳-۴- ویژگیهای مضمونی و آموزشی

دوره مشروطه نخستین دوره‌ای است که نویسندگان و شاعران بزرگسال برای بچه‌ها داستان مینویسند و شعر میسرایند و تأدیبات اطفال در زمره نخستین این آثار است (فصلنامه نقد کتاب کودک و نوجوان، ص ۲۲۱). اما در این دوره کودک یک بزرگسال ناقص

به شمار می‌آید و ادبیات کودک رویکرد تعلیمی-تهذیبی دارد. در یکی از داستانهای کتاب و از زبان مادر یکی از شخصیتها چنین میخوانیم: «من هم خوب نیستم با شما دروغ بگویم بچه اینک شما کوچک و نادان هستی» (ص ۷۲). در بخشهایی از جامعهٔ روشنفکری این تفکر وجود دارد که آثار خیالی و افسانه‌ها برای بچه‌ها توهم‌زا و مضر است (زیبایی‌شناسی ادبیات کودک، ص ۹۲). مفتاح‌الملک در مقدمهٔ تأدیبات اطفال چنین مینگارد: «هوشمندان مملکت را لازم و واجب عقلی است که تا میتوانند اطفال خود را از شنیدن و خواندن افسانه‌های دور از عقل محال نیش‌غولی که اشخاص بی‌تربیت عامی نادان بخیالات فاسده خود جمع کرده حفظ کنند و نکذارند در بدایت سن بواسطهٔ خواندن و شنیدن اینگونه افسانه‌های بی‌معنی عقاید آنها فاسد و از خواندن قصص و حکایات عشق‌آمیز خیالات آنها مشوب و پریشان گردد» (ص ۳). بنابراین او نیز افسانه‌های سنتی و قصه‌های شفاهی را دور از عقل و نیش‌غولی (خرافی) و مضر به احوال کودکان میداند. با چنین رویکردی است که در متن کتاب هیچ داستان تخیلی و غیر واقعی نیست و نیز هیچ شخصیت خیالی و حتی حیوان سخنگویی در متن حضور ندارد. مباحث تعلیمی در موارد زیاد و با موضوعات مختلف در متن حضور دارند که در ادامه طبقه‌بندی و ارائه میشوند:

دسته‌ای از تعالیم کتاب در حوزهٔ رعایت بهداشت، آداب و رفتار اجتماعی و در مجموع مواردی است که اخلاقی نیستند و میتوان آنها را تعلیمهای رفتاری نامید. تعلیم آداب در بخش دوم و سوم کتاب به صورت مستقیم بسیار پررنگ است. نمونهٔ کاملی از آن ذکر میشود که نشان دهندهٔ رویکرد کلی کتاب در این موضوع است. در حکایت دوم، مادری دخترش را نصیحت میکند و رفتار دختری به نام خورشید خانم را نمونهٔ رفتار خوب معرفی میکند: «مادرش گفت ای دخترک من این دختر که می‌بینی اسمش خورشید خانم است دختری است بسیار با کمال و حرف شنو و باادب که همه کس او را دوست دارند و پدر و مادرش از او را ضی هستند به سبب آنکه هر روز صبح که از خواب بیدار میشود با کمال خوشی و بی‌زحمت از جای خود برمی‌خیزد و مثل بعضی بچه‌ها در اول صبح کریه و بدخلقی نمیکند پس لباس خود را میپوشد و بدن و لباس خود را پاک کرده و وضو میگیرد و نماز خدا را بجا می‌آورد و تا شام جمیع حرکات و رفتار او شایسته و خوبست و عادت کرده است که شبها وقت خوابیدن پدر و مادرش می‌خواهد و صبحها وقت بیدار شدن آنها بیدار میشود و پس از آنکه خود را پاک و تمیز کرد و لباس خود را پوشید عروسکها و اسباب بازی که دارد گرفته در گوشهٔ مینشیند و با آنها بازی میکند و مثل پارهٔ بچه‌ها نیست که در میان خانه برود و شیطنت کند و حرفی را که مناسب او نیست نمی‌پرسد و نمیکوبد و اگر دو نفر نجوی کنند یعنی آهسته حرف بزنند نزدیک نمیرود که بحرف آنها گوش بدهد و از اینجبهه کسی او را فحش نمیدهد و اذیت نمیکند و تمام روز خوشحال و خرم است و

حالا در مکتب‌خانه دخترهاست قران و خطهای نسخ را بسیار خوب میخواند و در مهمانیها و تماشاکاهها و جمعیتها و کوچها هرگز از نزد مادرش دور نمیشود و بی‌اذن و رضای مادرش هیچ کاری نمیکند همیشه تن و لباس خودش را پاک و پاکیزه نگاه میدارد و پیش از غذا و بعد از غذا دست خود را می‌شوید و با دست را ست غذا میخورد و هرگز با خاک و کل بازی نمی‌کند و بر زمین بی‌فرش نمی‌نشیند که لباسهای او چرکین بشود و عادت‌های بد ندارد مثل آنکه انکشت به بینی خودش بکند بلکه همیشه بینی خود را پاک نگاه میدارد بی‌آنکه پدر و مادرش باو بگویند» (ص ۱۲ تا ص ۱۶ مطلب عین رسم‌الخط کتاب نقل شد). مانند نمونه اخیر در همه داستانها لحن یکدست و سازگار با درونمایه داستان است و ساختار داستان مبتنی بر رابطه علی معلولی ساده و قابل فهم است.

دسته دیگر از تعالیم کتاب مربوط به موارد اخلاقی است. نمونه‌هایی نقل می‌شود: فرزند باید هیچ چیز را از پدر و مادر خودش پنهان نکند (ص ۷۱)، توصیه به عفت و قناعت (ص ۹۰)، توصیه به درستی و راستی و امانت (ص ۱۱۳) و ... در بخش سوم کتاب نیز این قبیل توصیه‌ها بسیار دیده میشوند: هرچه به خود نپسندی به دیگران نپسند (ص ۱۹۷)، بی‌تکبر و فروتن باش (ص ۱۹۹) و ... بسامد توصیه‌های اخلاقی پایینتر از توصیه‌های رفتاری است.

نکات قابل توجه دیگری نیز در حوزه آموزشی در این اثر به چشم می‌خورد. نخست تأکید فراوان کتاب بر موضوع صداقت است تا آنجا که حتی دروغ مصلحت‌آمیز نیز نکوهش شده است: «اگرچه دروغ مصلحت‌آمیز جایز است ولی باز عیب و نقص شمرده میشود» (ص ۷۱) و نیز: «من هم خوب نیستم با شما دروغ بگویم بجهت اینکه شما کوچک و نادان هستید» (ص ۷۲) که تأکید فراوان مفتاح‌الملک بر صداقت و صداقت با کودکان را میرساند. دوم تأکید بر به جا آوردن مناسک دینی و تأکید بر خواندن و حفظ قرآن است: «چگونه چوپانی کوسفندان را بر یادگرفتن قران ترجیح میدهی» [؟] (ص ۸۰). که در موارد بسیار بر آن تأکید شده است.

سوم مواردی است که نویسنده برخی صفات نیکو و ناپسند را ذاتی و جبلی دانسته است: «القصد بواسطه این حرکات و رفتار نیک حسین همه کس او را دوست میداشت و او فطرتاً با عموم بندکان خدا با محبت و مهربان بود» (ص ۱۰۸)؛ «علی بالطبع تنبل بود» (ص ۱۴۹)؛ «معلوم نیست که این دختر بعد از این مقدمه ازین صفت بد برکشت یا آنکه بر کبر و نخوت خود باقی مانده و تا زنده بود بهمین حالت بود بجهت آنکه تکبر صفتی است که زوال آن مشکل است» (ص ۱۶۷)؛ «حمزه نیز علاوه بر زشتی صورت و قباح‌ منظر طبیعی خشن و ناملاطی داشت» (ص ۱۶۹).

چنان که مشخص است مضمونهای داستانی، پیامها و نصیحت‌های مستقیم و غیرمستقیم

کتاب همواره با توصیف‌های عینی و در سطح شناختی مخاطبان بیان و مطرح شده است.

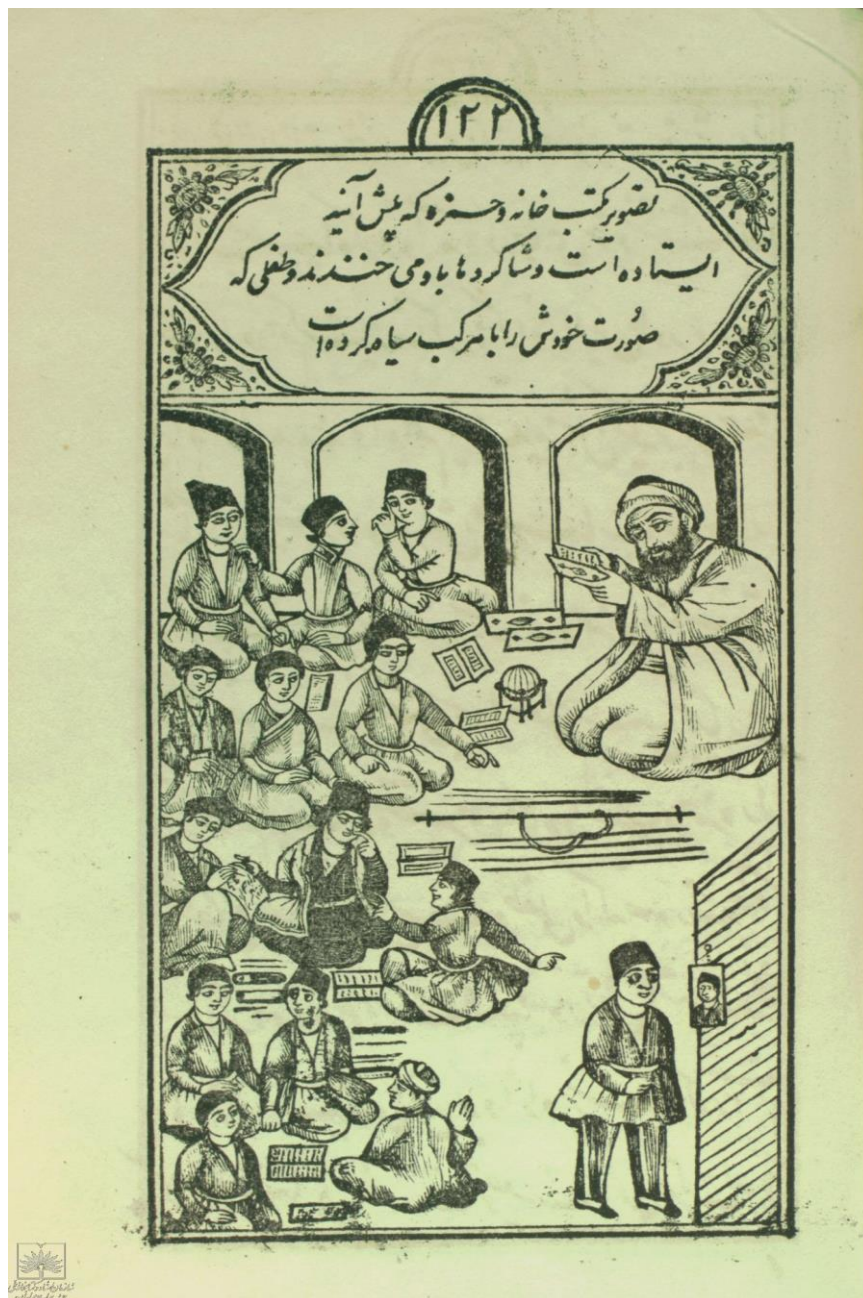
۳-۵- ویژگی‌های تصویری

بررسی تصاویر با توجه به انواع رابطه متن و تصویر که در مقدمه به آن اشاره شد انجام می‌پذیرد. کتاب یک تصویر رنگی و ۲۵ تصویر سیاه و سفید دارد. تصویر رنگی صفحه اول کتاب است و نکته قابل توجهش آن است که دو فرشته کودک را نشان می‌دهد که می‌تواند دلالتی بر موضوع کتاب یعنی ادبیات کودک و پاکی کودکان باشد. دیگر تصویرها مربوط به بخش دوم کتاب هستند. تصویرگری به روش متداول در چاپ سنگی انجام شده است و ویژگی عمده آن نداشتن عمق و پرسپکتیو است.

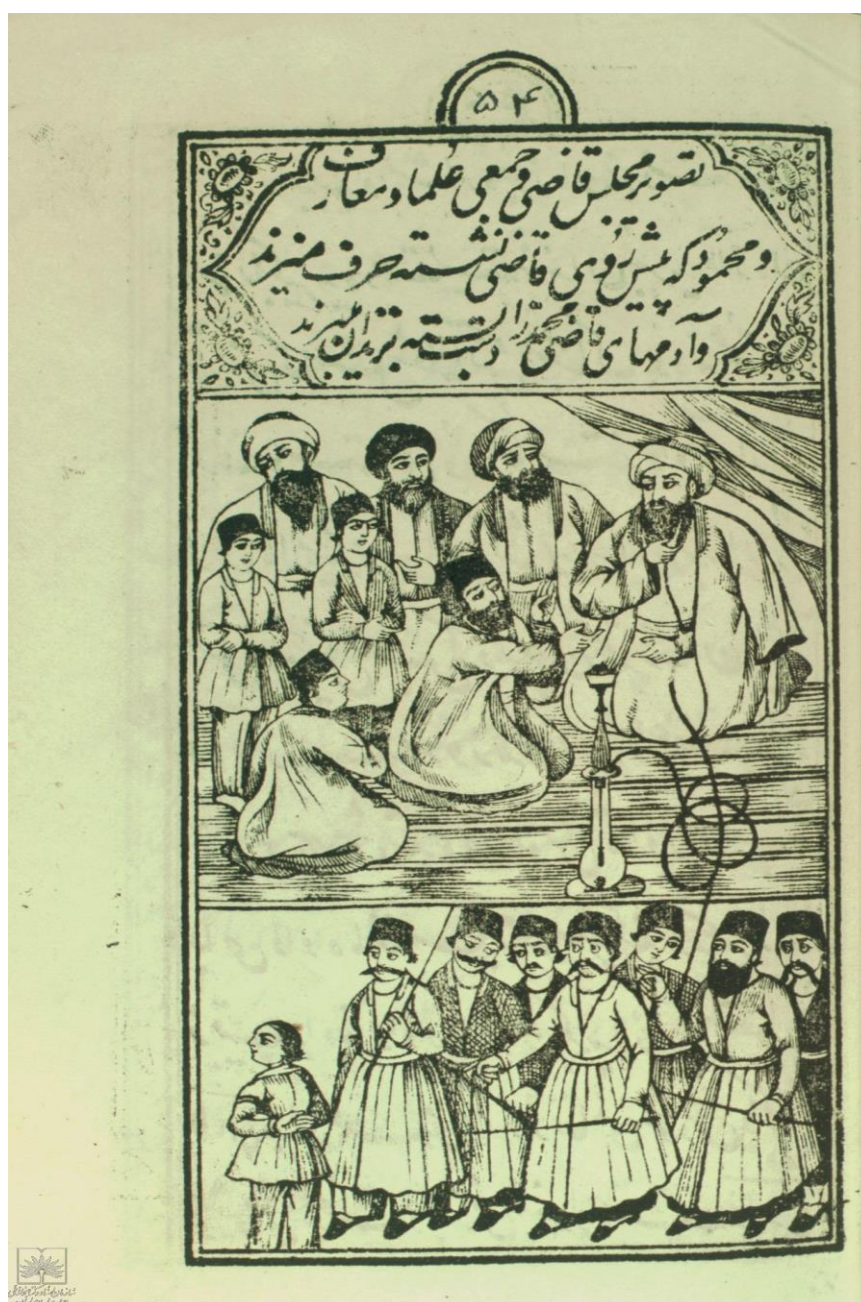
نخست به تصاویری می‌پردازیم که نقش برجسته‌کننده یا تقویت‌کننده متن را ایفا می‌کنند: ۷ تصویر از ۲۵ تصویر، ۲۸ درصد تصاویر کتاب، محیط مکتبخانه را نشان می‌دهند که ۵ تصویر درون مکتبخانه (صفحات: ۸، ۱۲۲، ۱۳۹، ۱۴۴ و ۱۵۳) و ۲ تصویر حیاط مکتبخانه (ص ۱۵۹ و ۱۶۴) را به تصویر کشیده‌اند که کاملاً همگام با اوج و فرود در پیرنگ داستانهاست. در محیط مکتبخانه، چنان که در تصویر ۳-۱ دیده می‌شود، رحل و قرآن، لوح، قلم، دوات و شلاق در همه تصاویر به چشم می‌خورد و نظم و ترتیب شاگردان در مقابل معلم شکل‌دهنده ترکیب‌بندی تصاویر است. همه تصاویرهای کتاب قاب‌بندی دارند که عنصر نظم و جنبه تعلیمی داستانها را تقویت می‌کند. تصاویر به دلیل واقع‌گرا بودن همه در سطح تجربه و فرهنگ مخاطب آن هستند و با توضیحاتی همراه شده‌اند که درونمایه داستانها و جنبه‌های مضمونی داستان را آشکار می‌کند.

دسته عمده تصاویر کتاب نقش برجسته‌کننده دارند و مضمون کتاب را برجسته و تقویت می‌کنند. تعداد محدودی از تصاویرهای کتاب نقش گسترش‌دهنده متن را ایفا می‌کنند؛ مثلاً در متن کتاب هیچ اشاره‌ای به قلیان و کشیدن آن نشده است اما عنصر قلیان در سه تصویر از کتاب آمده است که نشانگر گسترش متن به دست تصویرگر است چنان که در تصویر ۳-۲ مشخص است. کاربرد آموزشی این تصاویر برانگیختن قوه خلاقیت و تخیل مخاطبان است.

در ادامه دلایل اثبات فرضیه که در ضمن بحث به آنها اشاره شد تحلیل و طبقه‌بندی می‌شود. طبقه‌بندی این دلایل با توجه به اثر ادبیات کودک و نوجوان (ابراهیمی و دیگران) انجام شده است.



تصویر ۳-۱- عناصر محیط مکتبخانه لوح، قلم، دوات، شلاق



تصویر ۳-۲- گسترش متن با عنصر تصویری قلیان

۴- تحلیل و طبقه‌بندی عناصر سبکی اثر
فرضیه نگارندگان در آغاز پژوهش این بود که اثر تأدیبات اطفال با توجه به عناصر سبکی

- (در حوزه‌های زبانی، ادبی و تصویری) منحصر بفردی که دارد نخستین اثر مصور ادبیات کودک به زبان فارسی است. با توجه به تحلیلهایی که ذکر شد جمع‌بندی دلایل اثبات این فرضیه به قرار زیر ارائه میشود:
- (۱) داستانهای کتاب به دلیل انتخاب فضای واقعگرا که اغلب در مکتبخانه اتفاق می‌افتد متناسب با مخاطبان آن است.
 - (۲) پیرنگ داستانها شبکه استدلالی ساده و قابل فهم برای مخاطب دارد.
 - (۳) ساختار داستانها مبتنی بر رابطه علی-معلولی قابل فهم برای مخاطب است.
 - (۴) گره‌افکنی، تعلیق، بحران، اوج و گره‌گشایی داستانها ساختاری خطی و ساده و متناسب با مخاطبان دارد. حرکت داستانی و پسایند رویدادها تا رسیدن به گره‌گشایی سراسر است و رو به سوی هدف مشخص نگارنده است.
 - (۵) تحول پیرنگ همگام با تحول شخصیت پیش میرود و تناقضی در این زمینه در داستانها به چشم نمی‌آید.
 - (۶) همه شخصیت‌های کتاب بدون استثنا از میان کودکان همدوره با مخاطبان کتاب انتخاب شده‌اند که امکان همدلی به مخاطب میدهد و متناسب با اوست.
 - (۷) تأدیبات اطفال از محدود آثار دوره مشروطه است که شخصیت‌های پسر و دختر به یک نسبت در داستانهای آن حضور دارند و نقش ایفا میکنند.
 - (۸) لحن داستانها یکدست و سازگار با درونمایه داستانها و گفتگوی شخصیتها است.
 - (۹) داستانها علاوه بر قصد تهذیب مخاطب به منظور سرگرمی او نیز نوشته شده‌اند.
 - (۱۰) از منظر تصویری تصویرگری کتاب کاملاً با متن داستان هم‌راستا و واقع‌گرایانه است؛ به این سبب که تصویرگری اصلاً جنبه آکسپرسیونیسم ندارد (تعادل و تناسب به هم نخورده است و اغراق ندارد)، امپرسیونیسم ندارد (جزئی‌نگر است)، سوررئالیسم ندارد (روابط غیرواقعی بین اجزای تصویر وجود ندارد)، کوبیسم و آبستره هم نیست (انتزاعی و تجریدی نیست).
 - (۱۱) تصاویر همگام با داستانها در طرح و ترکیب کلی کتاب و بر پایه اوج و فرودهای پیرنگ داستانها سازماندهی شده‌اند.
 - (۱۲) تصویرگری در سطح تجربه‌های محیط زندگی و دنیای فرهنگی مخاطبان است و توضیحی که با هر تصویر همراه شده است سطح کتاب را به مخاطب نزدیک میسازد.
 - (۱۳) تصاویر گسترش‌دهنده متن موجب برانگیختن قوه تخیل مخاطب هستند.
 - (۱۴) تصاویر برجسته‌کننده و تقویت‌کننده متن تنگناهای کلامی متن را برطرف میکنند و جنبه‌های هر موضوع و مضمون را گسترش میدهند.
 - (۱۵) ضرب‌آهنگ تصاویر و متن متوازن است.
 - (۱۶) قطع کتاب، اندازه حروف و سفیدخوانی کتاب متناسب با فارسی‌آموزان نوآموز است.
 - (۱۷) رسم‌الخط کتاب با به کار بردن برخی علامتهای سجاوندی که در دوره مورد بررسی متداول نبوده است و توجه کاتب به خوانایی خط متناسب کودکان مکتبخانه بوده است.

- ۱۸) کاربرد مترادفها و معنی کردن کلمه‌ها و اصطلاحات جدید به صورت ضمنی در متن و ویژگی آموزش غیرمستقیم زبان در این اثر را نشان میدهد.
- ۱۹) تناسب اندازه تصاویر با متن، توجه به جزئیات متن در تصویر و تناسب اندازه تصاویر نسبت به یکدیگر ویژگی مشخصه کتاب است.
- ۲۰) پیام و مضمون داستانها اغلب عینی و در سطح شناخت مخاطب است.

۵- نتیجه‌گیری

در بیانی کلی میتوان جمع‌بندی پژوهش حاضر را چنین ارائه کرد: سبک، یا به تعبیر بهار سنجیه عمومی کتاب تأدیبات اطفال را میتوان واقعگرایی تعلیمی نام نهاد. در مکاتب ادبی غرب یکی از مکتبها رئالیسم یا واقعگرایی نام دارد که ویژگیهای عمده آن در تقابل با مکتب رمانتیسم، برون‌گرایی، عینی بودن و غیر شخصی بودن هستند (مکتبهای ادبی، ج ۱، ص ۲۹۱). متن تأدیبات اطفال، چنانکه در بخش بررسی سبکی آن مشخص گردید، همین خصایص عام را دارد. از دیگر سو در بحث تصویرگری هم پژوهندگان قائل به سبکهای مختلف تصویرگری هستند از جمله: رئالیسم، اکسپرسیونیسم یا بیان آزاد احساس، امپرسیونیسم یا اصالت دریافت و ... (ادبیات کودک و نوجوان، ص ۲۰۲). شیوه تصویرگری کتاب حاضر نیز با توجه به این ویژگی عمده که هیچ عنصر تخیلی در آن به چشم نمی‌آید از منظر سبکی شبیه به سبک رئالیسم است. قطعاً تأدیبات اطفال همه ویژگیهای مکتب رئالیسم در ادبیات و سبک رئالیسم در نقاشی را ندارد اما ویژگیهای عمومی و سبکی این اثر، به زعم نگارندگان، آن را در دسته‌ای به نام واقعگرایی تعلیمی جای میدهد. ویژگی دیگر این متن تناسب آن با سطح شناختی-عاطفی مخاطب آن است. بنابراین با توجه به بیست دلیل ذکر شده در قسمت قبل و جمع‌بندی مباحث میتوان نتیجه گرفت تأدیبات اطفال نخستین کتاب مصور ادبیات کودک در زبان و ادبیات فارسی است.

۶- پیشنهاد برای پژوهشهای آینده

در پژوهشهای پیشینه پژوهش حاضر دلایلی ارائه شده است مبنی بر اینکه به رغم تأکید مفتاح‌الملک بر ترجمه بودن کتاب تأدیبات اطفال این اثر تألیف خود اوست یا ترکیبی از ترجمه و تألیف است (بی‌مهری به پیشگامان، ص ۲۱۷). اما نگارندگان حدس می‌زنند به این علت که سبک واقعگرایانه مفتاح‌الملک در ادبیات فارسی بسیار کم سابقه است و نیز به سبب شغل او در وزارت خارجه که ایجاب میکرد زبانهای خارجی را بداند، احتمال دارد متن کتاب ترجمه آزادی از کتابی باشد که عنوان و مشخصات آن دانسته نیست. مفتاح‌الملک در مقدمه کتاب چنین مینویسد: «این کتاب مسمی بتأدیبات اطفال که از زبان فرانسه عبری ترجمه شده بود از عربی بیارسی نقل نمود» (تأدیبات اطفال، ص ۵). بنابراین یک پیشنهاد پژوهشی پیدا کردن این حلقه مفقوده است که میتواند روشنگر یکی از مبداهای ادبیات کودک در کشور ایران باشد. افزون بر این پژوهشگران آتی میتوانند با در نظر گرفتن دوره‌های مختلف ادبیات کودک روش پیشنهادی پژوهش حاضر را در بررسی

آثار این دوره‌ها بیازمایند و به کار بگیرند. علاوه بر این میتوان همین روش را برای نوعی سبک‌شناسی تطبیقی آثار مصور ادبیات کودک و مقایسه آثار دوره‌ها یا زبانهای مختلف به کار بست.

منابع و مأخذ

- ۱- ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، قزل‌ایاغ، ثریا (۱۳۹۳)، تهران، سمت، چاپ یازدهم.
 - ۲- تاریخ ادبیات کودکان ایران، قایینی، زهره و محمدی، محمدهادی (۱۳۸۰)، ج ۳، تهران، چیه‌ستا، چاپ نخست.
 - ۳- ادبیات کودک و نوجوان، ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۳)، تهران، مدرسه، چاپ هشتم.
 - ۴- تصویرگری کتابهای کودکان، قایینی، زهره (۱۳۹۰)، تهران، مؤسسه تاریخ ادبیات کودکان، چاپ نخست.
 - ۵- درآمدی بر روش تحقیق کیفی، محمدی، بیوک (۱۳۹۳)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم.
 - ۶- راهنمای عملی پژوهش کیفی، هومن، حیدرعلی (۱۳۹۴)، تهران، سمت، چاپ هفتم.
 - ۷- روانشناسی رشد، برک، لورا ای. (۱۳۸۵)، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران، چاپ هفتم.
 - ۸- روش تحقیق کیفی ضد روش، محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، تهران، جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
 - ۹- روش تحقیق مطالعه موردی، گیلهام، بیل (۱۳۹۴)، ترجمه مونا بوذری و همایون‌پاشا صفوی، تهران، سیاه‌رود، چاپ اول.
 - ۱۰- زیبایی‌شناسی ادبیات کودک، حجوانی، مهدی (۱۳۸۹)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
 - ۱۱- سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، بهار، محمدتقی (۱۳۸۶)، ج ۱، تهران، زوار، چاپ دوم.
 - ۱۲- فرهنگ بزرگ سخن، انوری، حسن (۱۳۹۰)، ج ۶، تهران، سخن، چاپ هفتم.
 - ۱۳- فرهنگ فارسی، معین، محمد (۱۳۷۶)، امیرکبیر، چاپ یازدهم.
 - ۱۴- مبانی سبک‌شناسی، وردانک، پیتر (۱۳۸۹)، ترجمه محمد غفاری، تهران، نی، چاپ اول.
 - ۱۵- مکتبهای ادبی، سیدحسینی، رضا (۱۳۸۷)، ج ۱، تهران، نگاه، چاپ پانزدهم.
- ۱۶- Through the eyes of a child, Norton, Donna (1999), 5th ed., Columbus, ohio.